

الدين المسيحي الكنسي والتطور !!

مسيحية كليسا و تكامل !!

الكنيسة الكاثوليكية رفضت نظرية التطور طيلة عقود، ولكنها ربما لم تصدر بياناً رسمياً أو على الأقل لم تعطي أي رأي أو موافقة على ما طرحته نظرية التطور رغم مساسها المباشر بأهم قضية يطرحها الدين وهي قضية الخلق، فنظرية التطور مخالفة تماماً لقصة الخلق التوراتية.

كليساي كاتوليك بهمدت چندين دهه نظريهء تكامل را رد کرده بود؛ ولي احتمالاً نه هيچ بيانيهء رسمي در اين خصوص صادر نموده، و نه هيچ اظهار نظري در تأييد مفاد نظريهء تكامل ابراز داشته است. اين در حالي است كه نظريهء تكامل با يكي از مهمترين دغدغههاي ديني كه ماجراي آفرينش است، ارتباط بسيار تنگاتنگي دارد؛ چرا كه نظريهء تكامل با داستان آفرينش در تورات كاملاً ناسازگار مي باشد.

والموقف نفسه تقريباً تبنته بقية المذاهب الكنسية، فهم يرفضون نظرية التطور ولكن بعضهم لا يصرحون، ولعل السبب واضح؛ فالزمن قد تبدل ولم تعد هناك محاكم التفتيش أو امكانية لقطع لسان دارون كما فعلوا مع جوردانو برونو، أو سجنه واضطهاده كما فعلوا مع جاليلو ولهذا لانوا بالصمت، وأخيراً لما وجدوا أن الأدلة على التطور قد تراكمت بصورة كبيرة خصوصاً بعد توسع علم الجينات اضطرت الكنيسة الكاثوليكية إلى الاعتراف بنظرية التطور وأخذ قساوسة الكنيسة الكاثوليكية يقولون: إنهم لم

يكونوا يوماً ضد نظرية التطور أو دارون، والحقيقة إنهم لم يقطعوا لسان دارون أو يحرقوه في حينها لسبب بسيط وهو أن سلطتهم كانت قد انتهت في أوروبا، هم اليوم قد اضطروا للموافقة على نظرية التطور؛ لأن الأدلة لم تعد قابلة حتى للجدل فيها، اللهم إلا جدل بعض الجهلة الذين لا يفهمون ما هو التطور وكيف يكون، مع أن موافقتهم على نظرية التطور تعني حكم إعدام للدين المسيحي الكنسي فنظرية التطور لم تعد كما طرحها دارون، فربما لم يبقَ مما طرحه دارون إلا الفكرة العامة أما التفاصيل وطريقة التنظير والأدلة والاثباتات فكلها ظهرت بصورة جديدة مع تطور العلم والأبحاث، وهي اليوم لدى أصحابها تمثل أطروحة كاملة تفسر قصة الخلق علمياً دون حاجة لوجود أي قوة خارقة تتدخل لإتمام هذه العملية أو حتى لبدائها، وبهذا فنظرية التطور اليوم تمثل نظرية تنقض الدين ووجود الإله ولا يمكن لأحد القول إنه يقبلها ويقبل الدين دون أن يقوم برفع هذا التناقض الذي يلزمه من قبول القولين، فنظرية التطور كما طرح اليوم وكما يفهمها وينظر لها علماء علم الأحياء التطوري تقول: إن التطور غير هادف على المدى البعيد، وهي بهذا ل يمكن أن تجتمع مع الدين فلا يمكن لأحد أن يقول: نعم أنا أقبل ما تقوله نظرية التطور والنتائج المترتبة عليها مئة بالمئة بما في ذلك أن التطور غير هادف على المدى البعيد، وفي نفس الوقت: أنا أقبل الدين، فهذا القول على المستوى الأرضي يمثل تناقضاً صارخاً ولا يصدر من عالم عاقل مالم يقيم أولاً برفع هذا التناقض ليكون قوله صحيحاً ومقبولاً ومنطقياً، ولهذا قلت: إن قبول الكنيسة بنظرية التطور الذي اضطروا إليه دون أن يتمكنوا من رفع هذا التناقض ويثبتوا أن التطور هادف على المدى البعيد هو بمثابة حكم إعدام على الدين المسيحي الكنسي.

تقریباً همین موضع‌گیری را دیگر مذاهب کلیسایی نیز در پیش گرفتند؛ یعنی آنها نیز نظریه تکامل را رد می‌کنند ولی به صراحت اعلام نمی‌کنند. شاید علت آن واضح باشد: اکنون زمانه عوض شده، دادگاه‌های تفتیش عقاید برچیده‌شده و امکان بریدن زبان داروین همان‌طور که با جوردانو برونو چنین کردند، یا به زندان انداختن و شکنجه نمودن، آن‌گونه که با گالیله کردند، وجود ندارد؛ بنابراین سکوت اختیار کرده‌اند. اخیراً هنگامی که دریافتند شواهد نظریه تکامل به‌ویژه پس از پیشرفت علم ژنتیک بسیار متعدد و فراوان شده‌است، کلیسای کاتولیک سرانجام چاره‌ای جز پذیرش این نظریه ندید و کشیشان کلیسای کاتولیک نیز مدعی شدند که آنها هیچ‌گاه ضد نظریه تکامل یا داروین موضع‌گیری نکرده‌اند. در حقیقت آنها زبان داروین را قطع نکرده و او را زنده نسوزانده‌اند؛ دلیل آن نیز بسیار ساده است: اینکه دوران تسلط آنها بر اروپا پایان یافته بود. امروزه آنها مجبور شده‌اند موافقت خود را با نظریه تکامل ابراز دارند؛ زیرا دلایلی که در این خصوص ارائه شده، جای هیچ بحث و جدلی باقی نگذاشته‌است، مگر برای برخی افراد نادان که از درک تکامل و چگونگی آن عاجزند؛ با اینکه موافقت آنها با نظریه تکامل مانند صدور حکم اعدام برای دین مسیحیت کلیسایی می‌باشد؛ چرا که نظریه تکامل به‌همان صورت که توسط داروین مطرح شد، دست‌نخورده باقی نمانده‌است و چه‌بسا از آنچه داروین مطرح کرده، فقط یک ایده کلی بر جای مانده‌باشد و امروزه با پیشرفت علم و پژوهش، تفصیل این نظریه، شیوه پردازش آن و دلایل و شیوه‌های اثباتش، لباسی کاملاً نو بر تن کرده‌است. امروزه هواداران تکامل می‌گویند این نظریه رساله کاملی است که داستان آفرینش را به شیوه‌ای علمی توضیح می‌دهد و در این خصوص، به وجود هیچ قدرت فوق‌العاده‌ای که برای به‌پایان رساندن و یا حتی شروع این کار دخالت داشته‌باشد، نیاز نیست. از این رو امروزه از نظریه تکامل به عنوان نظریه‌ای یاد می‌شود که

دين و وجود خدا را نقض می‌کند. بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید هم نظریهء تکامل و هم دين را قبول دارد، بدون اینکه تناقض ناشی از به‌بار آمدن پذیرش این دو گفته را برطرف سازد؛ تناقضی که وی را ملزم به پذیرش یکی از این دو گفته می‌نماید! نظریهء تکامل آن‌گونه که امروزه مطرح می‌شود و آن‌گونه که زیست‌شناسان تکاملی آن را درک می‌کنند و بیان می‌دارند، می‌گوید: تکامل هیچ هدف بلندمدتی ندارد و به همین دلیل با دين قابل جمع شدن نیست. بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید: بله، من هرآنچه را نظریهء تکامل بیان می‌دارد و نیز نتایج آن از جمله اینکه تکامل در بلندمدت هدفمند نیست را صد در صد می‌پذیرم و در عین حال دين را هم قبول دارم! این سخن دارای تضاد و تعارض بسیار آشکاری است و هیچ دانشمند عاقلی به چنین چیزی معتقد نیست، مگر اینکه با رفع تناقض مزبور، سخنش درست، مقبول و منطقی گردد. به همین دلیل من گفته‌ام: اینکه کلیسا مجبور به پذیرش نظریهء تکامل شد، در حالی که از برطرف نمودن این تضاد و تناقض ناتوان بود و نتوانست ثابت کند که تکامل در بلندمدت هدفمند است، برابر با صدور حکم اعدام برای مسیحیت کلیسا به‌شمار می‌رود.

وبالطبع هم لا يفهمون هذا؛ لأن كثيراً من رجال الدين وللأسف لا يفهمون ما هو التطور وكيف تطرح نظرية التطور الآن، وهذا جزء من مناظرة بين د. ريتشارد دوكنز^(١) والكاردينال جورج بيل، وهو كاردينال استرالي تابع للكنسية الرومانية الكاثوليكية ورئيس أساقفة مدينة سدني في استراليا.

١. د. ريتشارد دوكنز (٢٦ - ٣ - ١٩٤١ م) عالم أحياء بريطاني متخصص في البيولوجيا التطورية والسلوك الحيواني وأستاذ في جامعة اكسفورد، وهو يعتبر عالم أحياء قدير وله عدة مؤلفات منها: الجينة الانانية، صانع الساعات الأعمى، وهم الإله، وله نظرية الميمات التي قام بتطويرها. كما أنه في كتابه الجينة الانانية رسخ علمياً وبشكل كبير أهمية الجينات والمعركة المحتدمة بينها في صراع البقاء للجين الأفضل. وريتشارد دوكنز مشهور بآرائه

الاحادية وتوظيفه المتطرف لنظرية التطور لتسويق الالحاد، في عام ٢٠٠٦ أطلق دوكنز مؤسسته المعروفة بـ "مؤسسة ريتشارد دوكنز للمنطق والعلوم"، وهي مؤسسة تسعى لتعزيز القبول بالالحاد وتدافع عن الأجوبة العلمية للأسئلة حول الوجود.

البتة أنها اين موضوع را درک نمی‌کنند؛ چرا که متأسفانه بسیاری از علمای دین اصولاً نمی‌دانند تکامل چیست و اکنون اين نظريه چگونه مطرح می‌شود! آنچه در ذیل می‌آید، بخشی است از مناظرهء صورت گرفته بين دکتر ریچارد داوکینز (۱) و کاردینال جورج پیل، کاردینال استرالیایی پیرو کلیسای کاتولیک روم و سراسقف شهر سیدنی در استرالیا:

۱- دکتر ریچارد داوکینز (Richard Dawkins)، (متولد ۲۶ مارس ۱۹۴۱م) دانشمند زیست‌شناس بریتانیایی، متخصص زیست‌شناسی تکاملی و رفتارشناسی حیوانی، استاد دانشگاه آکسفورد و به‌عنوان دانشمندی سرشناس در زیست‌شناسی شناخته می‌شود. وی دارای تألیفات متعددی است که از جمله آنها می‌توان به ژن خودخواه (۱۹۷۶م)، ساعت‌ساز نابینا (۱۹۸۶م) و توهم خدا (۲۰۰۶م)، (که این کتاب در فارسی با عنوان "پندار خدا" ترجمه شده‌است) اشاره کرد. او همچنین دارای نظریهء میم می‌باشد که اقدام به توسعهء آن نمود، همچنان که در کتاب «ژن خودخواه» اهمیت ژن‌ها را بصورت علمی و به شکل قابل توجهی بیان نموده و رقابت سنگین میان آنها برای بقای ژن برتر را روشن کرده‌است. ریچارد داوکینز همچنین به نظریه‌های خداناباورانه و تلاش برای استفاده از نظریهء تکامل برای اثبات بی‌خدایی مشهور است. او در سال ۲۰۰۶م مؤسسهء منطق و علوم ریچارد داوکینز را افتتاح کرد، که عبارت است از مؤسسه‌ای برای تقویت مقبولیت بی‌خدایی و عرضهء پاسخ‌های علمی در مورد وجود.

«کاردینال بیل: يجب ان تفکر بالحقائق العلمية وتتساءل ان كان اعتقادك ب
"الانتقاء العشوائي" كافي.

كما ان معظم علماء الاحياء التطويرية اليوم لا يعتقدون بذلك.
ريتشارد دوكنز: لا يعتقدون بماذا؟

كاردينال بيل: لا يعتقدون بالاصطفاء العشوائى الصريح ولا يعتبرونه من الاصول كما تعتقد انت.

ريتشارد دوكنز: أنا لا اعتقد بذلك! وانا انفي بشدة بان التطور هو اصطفاء

عشوائى.. التطور هو اصطفاء لا عشوائى.

كاردينال بيل: اذن هل هناك هدف لهذا الاصطفاء؟

ريتشارد دوكنز: لا.

كاردينال بيل: هل يمكنك تفسر معنى لا عشوائى.

ريتشارد دوكنز: نعم بالطبع يمكنني ذلك.. هذه مهنتي!

يوجد تمايز جيني عشوائى.. وبقاء لا عشوائى.. وتكاثر لا عشوائى لذا نرى مع تقدم الاجيال ان الحيوانات تتحسن وتدير امورها بشكل افضل.. هذا امر ليس عشوائيا في جوهره وهذا لا يعني ان هناك هدف وراء ذلك بمعنى غرض انساني او مبدأ مدروس تم تخطيطه مسبقا مثلا جناح الطائر قد يبدو بانه موجود لسبب ومثلا عين الانسان هي موجودة لسبب.. ولكنها موجودة عن طريق الاصطفاء الطبيعى اللاعشوائى.. لا يوجد سبب انساني.. وانما يوجد سبب زائف ولكنه ليس سببا انساني بمعنى ارشاد واعى لكن قبل كل شيء لابد لي من التاكيد على ان نظرية التطور الداروينية هي عملية غير عشوائية، واحدة من اكبر حالات سوء الفهم التي يؤسفني القول بان رجال الدين دلسوا فيها بان التطور هي عملية عشوائية.. بينما العكس هو الصحيح.. التطور هو عملية لا عشوائية»(٢).

٢. قناة فيديو كتاب وهم الإلحاد (2013/09/04). مناظرة د. دوكنز مع كاردينال بيل - ريتشارد دوكنز هل عملية

التطور عشوائية غير هادفة ؟ متاح على:

http://www.youtube.com/watch?v=jk_bifntnOm

«كاردينال بيل: بايد به حقايق علمى بينديشى و ببينى آيا اعتقاد به "انتخاب تصادفى" كافى است؟ همان طور كه امروزه بسيارى از زيست‌شناسان تكاملى به آن اعتقادى ندارند.

ریچارد داوکینز: به چه چیزی اعتقاد ندارند؟

کاردینال پیل: آشکارا به "انتخاب تصادفی" اعتقاد ندارند و بر خلاف اعتقاد شما آن را جزو اصول به‌شمار نمی‌آورند.

ریچارد داوکینز: من هم به آن اعتقاد ندارم! و به شدت این مطلب را که تکامل همان انتخاب تصادفی است را رد می‌کنم. ... تکامل، انتخابی غیرتصادفی است.

کاردینال پیل: آیا این انتخاب هدفی در بر دارد؟
ریچارد داوکینز: خیر.

کاردینال پیل: آیا می‌توانی معنای غیرتصادفی را توضیح دهی؟

ریچارد داوکینز: بله البته که می‌توانم. ... این حرفهء من است!

مفاهیمی همچون دگرگونی ژنتیکی تصادفی... و بقای غیرتصادفی... و تولیدمثل غیرتصادفی وجود دارد. بنابراین می‌بینیم که با پیشرفت نسل‌ها، حیوانات بهتر می‌شوند و کارهایشان را به گونه‌ای بهتر انجام می‌دهند. این موضوع در ذات خود تصادفی نیست ولی این به آن معنا نیست که هدفی پشت سر آن قرار دارد؛ به مفهوم هدفی انسانی یا مبدأی متفکر که این کار را از پیش برنامه ریزی کرده باشد. مثلاً به نظر می‌رسد بال پرنده بنا به دلیلی وجود دارد و چشم انسان نیز به‌عنوان مثال، بنا به دلیلی وجود دارد. ... ولی اینها به‌شیوهء انتخاب طبیعی غیرتصادفی پدیدار شده‌اند. ... هیچ دلیل انسانی پشت این کار نهفته نیست. ... و آنچه هست دلیل بی‌اهمیتی دارد؛ ولی این دلیل، دلیلی انسانی به‌معنای هدایتگری آگاهانه، نیست. قبل از هر چیز باید تأکید کنم که نظریهء تکامل داروین، فرآیندی غیرتصادفی است و یکی از بزرگترین سوء تفاهماتی که متأسفانه باید بگویم بزرگان دین در آن فریبکاری به‌خرج دادند، این است که گفتند تکامل فرآیندی تصادفی است. ... در حالی که عکس این مطلب صحیح است. ... تکامل فرآیندی غیرتصادفی است» (۲).

۲- شبکهء ویدیویی کتاب وهم الإلحاد ، مناظرهء دکتر داوکینز با کاردینال پیل: آیا تکامل تصادفی و غیر هدفمند است؟ قابل دسترس در نشانی:

http://www.youtube.com/watch?v=jk_bifntnOm

واضح أن الكاردينال جاء لمناظرة د. دوكنز دون أن يفهم التطور أو ما يقوله بعض علماء علم الأحياء التطوري مثل دوكنز عن التطور وأنه لا عشوائي لأنه محكوم بمنظومة الانتخاب الطبيعي، ولكنه غير هادف على المدى البعيد.

روشن است که کاردینال در حالی برای مناظره با دکتر داوکینز آمده است که اصلاً نمی‌داند تکامل چیست و یا از آنچه برخی زیست‌شناسان تکاملی از قبیل داوکینز در خصوص تکامل مطرح می‌کنند اطلاعی ندارد؛ اینکه از آنجا که تکامل در چهارچوب نظام انتخاب طبیعی جای می‌گیرد، غیرتصادفی ولی در عین حال در بلندمدت هدفمند نیست!
